فوایدی از
الفوائدالکاظمیه بیرجندی

عبدالحسین طالعی

مقدمـــه

الف) زندگینامه خودنوشت مؤلف که در سال ۱۳۴۸ق (چهار سال پیش از رحلت خود) به در خواست مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نوشته و برای ایشان فرستاده است:

بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

سلام من الرحمن نحو جنابکم فان سلامی لایلیق ببابکم

الحمد لله و المنة. وصل الکتاب الکریم من السیّد المطاع العظیم إلی عبده الاثیم. فحصل له نشاط فوق نشاط کل نعیم. أمرتم عبدکم بکتابة شیء من ترجمته، فبادرت إلی الامتثال مع ضیق المجال للابتلاء باجوبة المسلئل الواردة من کل صقع فی الحلال و الحرام و دفع الشبهات الحادثة من أهل الضلال مما لا یجوز فیه المطال.

فأقول، و استغفر الله شدید المحال و الکریم المفضال:

العبد الجانی الفانی ولادته کان فی قریة من قری القاین، الواسطة بین کورة القاین و البرجند ـ معرب برگند ـ اسمها الجازار، فی شهر ربیع الأوّل من سنة ۱۲۷۶ و سمّانی والدی العالم ـ المرحوم المولی محمدحسن بن المولی أسدالله بن المولی

الحاج عبدالله بن المولى على محمد الشريف العلوى الفاطمى الملّقب بأشرف الشرفاء المتوفّى فى ۱۱۴۹ــ باسم جدّى الأعلى العلامة الفهّامة المولى محمدباقر المعاصر للعلامة المجلسى و الشيخ محمد بن الحسن الحر صاحب الوسائل، و يمكن ان يكون لهرحمه‌الله منهما اجازة، و لكنه لما احرق مكتبة عظيمة اعنى بيت الكتب كان له و نقل الكتب النفيسة المكتوبة بالخطوط الجيدة طائفة التركمانيّة الذين أغاروا على تلك البلاد، لم نطّلع على واقع الأمر.

فحصلت العلوم الآلية من الصرف و النحو و المنطق و المعانى عند والدى المرحوم و الأخوين الأكبرين. ثمّ رحلت إلى المشهد المقدس و قرأت بعض كتب الفقه و الأُصول ـ*المعالم* و *القوانين*ــ على افاضل المشهد المقدس. ثمّ قرأت كتب المحقق الثالث الشيخ الانصارى على تلاميذه المجاورين، الشيخ محمد تقى البجنوردى و السيّد المعظم الحاج السيّد عبدالصمد التسترى، كان قرأرحمه‌الله من *المطوّل* على الشيخ العلامة المحقق الانصارى ـمن ولد جابر بن عبدالله الانصارى او عبدالله النصارى الشهيد بأُحد فى قولـ إلى آخر زمان الشيخقدس‌سره؛ و المولى الحاج الشيخ على اليزدى و السيّد المرتضى اليزدى.

ثم رحلت إلى النجف الشرف، و قرأت الأُصول على الميرزا حبيب الله الرشتى و الفقه على المولى محمد الايروانى و الحاج الآميرزا حسين بن الحاج محمد خليل الطهرانى. و صرت مجازا من جمع من تلامذة الشيخ و غيرهم.

فنقلت إلى سرّ من رأى، و حضرت مجلس دروس مروّج المذهب الذى انتهت اليه رياسة الامامية، و شرعت فى تصنيف *وثيقة الفقهاء*، و كتبت إلى آخر الصوم فى مجلدين بالاستدلال التمام، و رسالة *إيضاح الطريق* فى المحاكمة بين الطائفة الاخبارية و الفرقة الاصولية من اصحابنا، و رجحت منها ان كل اصولى صحيح اخبارى و كل اخبارى صحيح اصولى عملا، و المستنبط يحتاج اليهما و لكن باصول مقتصد لا بالبسط الذى تداول فى زماننا و عند الاخبار و اسانيدها تسكب الدموع و يحتاج إلى صرف العمر فى تصحيح سندها و دلالتها. فرأى الاستاد آيت‌الله الشيرازى العلامة الآميرزا محمدحسنقدس‌سره مكتوباتى، فحسّنها و قال لى مرغبا لى على التصنيف: اكتب، اكتب، مرّتين او ثلاثا.

و أكملت فی هذه البلدة الشريفة فنّی الدراية و الرجال عند العلامة الاكمل الحاج آميرزا محمدحسين الطبرسی؛ و كان رحمه الله وقتئذ مشغولا بتصنيف *مستدرک الوسائل* و أجازنی. و ذلک بعد ما حصلت من الفنّين بقدر الحاجة بالتلمّذ علی الحاج الآميرزا حسين بن الحاج محمدخليل فی النجف. و كان قدس سره يدرس فيهما فی ليالی شهر رمضان.

ثم جئت إلی قاين لزيارة الوالدين و صلة الأرحام و نزلت فی بلدة البرجند و اشتغلت بالتدريس و التصنيف.

فممّا جری علی قلمی فی الفقه:

وثيقة الفقهاء.

و *رسالة فی صلوة الجمعة*، مفصّلا، رجحت فيها الوجوب العينی. و عملی علی الجمع بينها و الظهر.

و *رسالة فی تزويج البكر*، وافقت الكلينی و شركائه فی استقلال الأب و الجد بالولاية و عملی علی التشريک.

و *رسالة فی إرث الزوجة و الحبوة*.

و *رسالة فی طلاق زوجة الغائب*.

و *رسالة فی منجّزات المريض* و اخترت أنّها من الأصل.

و *رسالة فی حرمة الترياک و توابعها*.

و *رسالة فی السير و السلوک*.

و فی الكلام و العقايد الخمس و الأخلاق:

كتاب *نور المعرفة*، مفصّلا (نسخه ۳۴۰۶ كتابخانه آيت‌الله مرعشی و ۲۱۸۶ و ۸۹۹۹ آستان قدس رضوی).

و رسالة *بداية المعرفة*، مختصرا (تأليف ۱۳۰۰ سامرا، نسخه ۳۴۱۴/۱ كتابخانه آيت‌الله مرعشی).

و رسالة *ذخيرة المعاد فی الإجازة لأفلاذ الأكباد*، مفصل، مشتمل علی مطالب مهمّة (تأليف ۱۳۴۴ق، نسخه ۳۴۱۸/۲ كتابخانه آيت‌الله مرعشی).

و *بغیة الطالب فی الإمام الغائب*، فیها ردّ شبهات البابیة و البهائیة، طبعت (فارسی، نسخه ۳۴۱۳ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).
و رسالة *إکفاء المکائد فی الردّ علی الصوفیة*، طبعت.

و فی الأخبار و المواعظ و المراثی:
الکبریت الأحمر فی شرائط المنبر، طبع مکررا و ترجم بلسان الاردوئی الهندی، و طبع أیضا علی ما سمعت من الثقاة (تألیف ۱۳۳۰، نسخه ۳۴۱۷/۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).
و *مفتاح الفردوس*.
و *کتب ثلاثة فی الرجال و الدرایة*.
و *رسالة فی ترتیب أخبار تهذیب الشیخ و الکتب الثلاثة الأُخر فی ما رووه فی غیر بابها*. و انّه أمر مهمّ جدّا لما حصلت فی الکتب الاستدلالیة. و رسالة صاحب الوافیة ذهب من البین. و *ترتیب* السیّد هاشم البحرینی قلّت نسخته الاّ عند السیّد العلامة السیّد حسن الکاظمی سلّمه الله تعالی.
و رسالة *وقایع الشهور و الأیام*.

و فی الأدعیة:
کتاب *فاکهة الذاکرین*، طبع، جیّدا (نسخه ۱۲۴۳۳ کتابخانه آستان قدس رضوی).
رسالة الرجبیة، فی التشویق إلی زیارة المشاهد المشرفة فی رجب، و خصوصا مولانا الرضا علیه السلام، و حاویة لفوائد مهمة و لشرح الزیارة الرجبیة (یک بار در سال ۱۳۴۹ق چاپ سنگی شده، از روی همان به اهتمام مرحوم حاج رضا عمادزاده در اصفهان افست شده و بار دیگر به اهتمام نگارنده این سطور همراه با تعلیقات مرحوم آیت‌الله شیخ علی نمازی شاهرودی در سال ۱۳۷۹ش در آستانه هفتادمین سالگرد رحلت مؤلف بزرگوار به صورت حروفی چاپ شده است).
و کتبت شیئا فی تفسیر کلام الله تعالی و اشتغلت منه بالامور الواجبة.

و رسالة *إیضاح الطریق* فیها مهمات الأُصول (نسخه ۳۴۱۸/۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

و *مختصر فی فنّ القرائة*.

و *رسالة فی الردّ علی رسالة الملا شمس الهراتی* الرضوی النسب عمری المشرب، المسمّی بـ*الصمصام المهدوی* فی ردّ خان ملا علی خان الهروی.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. و التمس الدعاء منکم.

کتبه بیمناه الداثرة فی ۵ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۴۸.

حامدا مصلیا مسلما داعیا للاخوان و خصوصا لعلمائنا و مشایخنا الاعلام مستدعیا من المؤمنین خصوصا سیدنا العلاّم کثّر الله أمثاله فی العلماء.[۱]

ب) آثار دیگر که در این زندگینامه خودنوشت مختصر یاد نکرده است:

آیات الأحکام، به ترتیب کتابهای فقهی، از طهارت تا دیات، تألیف: شوال ۱۲۹۹، سامراء، نسخه ۳۴۱۴/۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

الإجازة الوجیزة للدرّة الفاخرة العزیزة، متن اجازه به آیت‌الله مرعشی نجفی در سال ۱۳۴۱ق که به خط مؤلف در کتاب *المسلسلات* ج ۱ درج شده و بار دیگر به کوشش نگارنده این سطور در کتاب *عطارد دانش (جشن نامه استاد محقق عزیز الله عطاردی*، ص...) چاپ شده است.

أخلاق، فارسی مختصر، تألیف ۱۳۰۰ق سامرا، نسخه ۳۴۱۴/۶ کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

الإعسار، رساله فقهی درباره مردی که نتواند متکفل مخارج همسرش شود یا زنی که همسرش گم شده باشد، تألیف: رجب ۱۳۵۰، نسخه ۳۴۱۰/۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

تذکرة الطالب فی من رای الإمام الغائب (عربی، نسخه ۳۴۱۷/۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

جنگ (متفرقات، نسخه ۳۴۱۲ مرعشی).

الدرّة البیضاء فی نبذ من أحوال أصحاب الکساء (عربی، نسخه ۳۴۱۴/۵ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

---

۱. نقل از کتاب *المسلسلات فی الإجازات*، ج ۲، ص ۱۲ و ۱۳.

رجال قاین (چاپ شده به اهتمام استاد سیّد جلال‌الدین محدث ارموی).

الرجعة فی النکاح (در باب طلاق، نسخه ۳۴۱۰/۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

سفینة القماش و مدینة الریاش (جنگ، نسخه ۳۴۰۹ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

شرح نظم اللآلی (شرح مختصر بر منظومه *نظم اللآلی* در تجوید، تألیف ۱۲۹۶ق مشهد، نسخه ۳۴۱۰/۲ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

العوائد القرویة فی شرح الفوائد الغرویة (شرحی بر کتاب *عمدة المقال* استادش سیّد ابوطالب قائنی در رجال و درایه، نسخه ۳۴۰۷/۱ و ۳۴۰۸ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

الفوائد الطوسیة و الدروس الرجالیة (تألیف ۱۳۵۰، نسخه ۳۴۱۶ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

الفوائد الکاظمیة (دربارهٔ آن به تفصیل سخن می‌گوییم).

لبّ الخطاب فی ردّ شبهات أهل الکتاب (نسخه ۳۴۱۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی).

نصح الإستغاثة (در حرمت شراب و افیون و حشیش، نسخه ۱۲۴۴۵ آستان قدس رضوی).

إزاحة الریبة (در وجوب نماز جمعه، فرزندش شیخ محمدحسین آیتی در کتاب *بهارستان*/ ۳۰۷ از آن یاد کرده است).

أجوبة المسائل الواردة من الآفاق.

أجوبة المسائل الواردة من ماوراء النهر (این دو رساله را محقق بیرجندی در شرح حال خودنوشت ـ که برای علامه میرزا محمدعلی اردوبادی نوشته ـ یاد کرده است. *وقایع الأیام* خیابانی، مجلد صیام/ ۶۷۲).

زهر الریاض (تعلیقه‌ای بر *ریاض المسائل* در فقه. *بهارستان* / ۳۰۷).

عین الباصرة (شرحی ناتمام بر *تبصره* علامه حلی، *بهارستان*/ ۳۰۷).

فصل الخطاب (در اثبات نبوت خاصه، از کتابهای آسمانی دیگر، *بهارستان*/ ۳۰۷).

دیوان شعر (حدود هزار بیت، *بهارستان*/ ۳۰۷، نمونه‌ای از اشعار فارسی و عربی مؤلف در مقدمةالتحقیق نگارنده بر *رساله* رجبیه درج شده است).

ج) *الفوائد الکاظمیة* یکی از آثار گرانقدر فقیه محقق مرحوم علامه آیت‌الله شیخ محمدباقر بیرجندی است که تا کنون به چاپ نرسیده است.

علامه محقّق میرزا محمدعلی اردوبادی دربارهٔ آن می‌نویسد:

الفوائد الکاظمیة فی اثبات حاجة المستنبط إلی الرجال و الدرایة، سیما فی باب العلاج و التراجیح و عدم الاکتفاء بالنقل، لکثرة الاشتباه فیه و مراجعة اصول الفن، تاییداً للمحقّق القمی فی هامش *الغنائم* و ردّا علیه فی *جامع الشتات*، سماها *وجیزة المقال فی شدة الاحتیاج إلی الرجال*، و فیه الحاجة إلی الفحص عن الشهرات و الإجماعات المنقولة و عدم الاکتفاء بمجرد النقل لکثرة الاشتباه فیه أیضا کما فی کشف القناع و رسالة صلوة الجمعة للشهید الثانی و غیرها.[۱]

شیخ آقابزرگ تهرانی نیز از آن به عنوان *وجیزة المقال فی الرجال* یاد کرده است.[۲]

نسخه خطی آن به شماره ۳۴۱۵ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نگاهداری می‌شود. این نسخه به خط میرزا عبد الجواد چهندوکی است که نشان مقابله مؤلف بزرگوار و اضافات و تصحیح‌های فراوان او را دارد. اصل کتاب به دست مؤلف در ماه رجب ۱۳۳۸ در شهر کاظمین به اتمام رسیده و تحریر نسخه در روز ۵ ربیع الثانی (بدون ذکر سال) در مدرسه عتیقه بیرجند انجام شده است. فهرست مختصر و شتاب‌زده ۴۵ فایده آن به شرح زیر است:

تعریف و موضوع درایه (برگ ۱)/ عمل به اخبار آحاد (برگ ۶)/ نخستین مؤلفان عامه در رجال و درایه (برگ ۱۰)/ معنا و شروط اجتهاد (برگ ۱۱)/ ضرورت یا عدم ضرورت علم کلام و منطق (برگ ۱۴)/ دیدگاه متقدمان در باب اعتبار حدیث (برگ ۱۶)/ وجوب فحص از متون اخبار قبل از عمل به قواعد عامه (برگ ۱۸)/ اعتبار اخباری که در نظر متأخران صحیح نیست (برگ ۱۸)/ حمل برخی از اخبار بر تقیه (برگ ۱۸)/ نکاتی در تعادل و تراجیح (برگ ۲۰)/ نکته‌ای در علم اصول (برگ ۲۴)/ بعضی از مصنفان و تصنیفات در علم رجال و درایه (برگ ۲۴)/ مشایخ شیخ طوسی از عامه (برگ ۲۵)/ ابن ابی‌جید (برگ ۲۵)/ محمد بن سنان (ص۲۵)/ روایات مرسل (برگ ۳۰)/ سیدحسین بروجردی و منظومه رجالیه او (برگ ۳۰)/ معنای لفظی

---

۱. *وقایع الایام* ملا علی خیابانی، مجلد صیام/ ۶۷۱ نقل از مجموعه رجالی محقق اردو بادی.
۲. *الذریعة* ۵۴/۲۵.

اجازه (برگ ۳۰)/ مؤلفان در علم رجال و درایه در قرن ۱۳ و ۱۴ (برگ ۳۰)/ حاشیه شیخ محمد بن حسن بر رجال میرزا محمد (برگ ۴۱)/ رساله ابن عودی جزینی درباره شهید ثانی (برگ ۴۳) درباره ذوالدمعه و کتابسوزی‌ها (برگ ۴۳)/ مؤلفان رجال عامه و مسانید (برگ ۵۵)/ نقدی بر بخاری (برگ ۶۲)/ مراد از اصول در کتب خاصه و عامه (برگ ۷۳)/ ضرورت رجوع به قرائن در استنباط (برگ ۷۶)/ تصرف ناسخان در کتابها مثل رجال کشی و مناقب ابن شهرآشوب (برگ ۸۳)/ مراتب أهل حدیث در نظر عامه (برگ ۸۴)/ کتاب مجموع الرائق (برگ ۸۵)/ نکاتی منقول از مجموع الرائق (برگ ۸۷)/ نکاتی از کتب عامه درباره اصحاب (برگ ۹۲)/ درباره نوّاب اربعه حضرت مهدی علیه السلام (برگ ۹۳)/ درباره فقه عامه (برگ ۹۳)/ تعلیقاتی بر رواشح میرداماد (برگ ۹۴)/ درباره شمار زیادی از عالمان شیعه و سنی (برگ ۹۷)/ معرفی برخی از عالمان قاین و بیرجند (برگ ۱۱۲)/ محمد بن اسماعیل بن بزیع (برگ ۱۳۸)/ مواردی از اختلافات صحابه با هم (برگ ۱۴۴)/ ضرورت رجوع به کتب عهدین و صحاح سته برای ابطال أهل کتاب و أهل تسنن (برگ ۱۵۰)/ مطاعن ائمه اربعه تسنن از زبان دانشمندان آنان (برگ ۱۵۰)/ درباره فقهای أهل تسنن (برگ ۱۵۹)/ آثار قلّت رجوع به اخبار و اسانید (برگ ۱۶۰)/ درباره رساله فقه‌الرضا (برگ ۱۶۵)/ تمییز بعضی از مشترکات (برگ ۱۷۱)/ طریق وسط میانه اخباری‌ها و اصولی‌ها (ص ۱۹۳)/ درباره صحیفه سجادیه (برگ ۱۸۲).

پیوست این مجموعه متن اجازات محدث نوری و علامه سیدحسن صدر کاظمی به مؤلف است (برگ ۱۸۷ به بعد).[۱]

نگارندهٔ این سطور پیش‌تر دو رساله از آیت‌الله بیرجندی را تحقیق و منتشر کرده است:

یکی، *رساله* رجبیه، همراه با تعلیقات آیت‌الله شیخ علی نمازی شاهرودی و مقدمة التحقیق مبسوط درباره شرح حال و آثار محقق بیرجندی (تهران: انتشارات ابرون).

۱. این فهرست در زمانی بسیار کوتاه تنظیم شده و نیاز به دقت بیشتر دارد.

دوم، *الدرّة الوجیزة* که متن اجازه مبسوط و مفصل و پرنکته محقق بیرجندی به مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی است (ضمن کتاب *عطارد دانش*، جشن نامه نکوداشت علامه محقق عزیزالله عطاردی، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۹۰ش، چاپ شده است).

اینک با همراهی صدیق مخلص و دانشور جناب ابوالفضل حافظیان ـ که نسخه عکسی *الفوائد الکاظمیه* را سخاوتمندانه و بزرگ منشانه در اختیار نگارنده قرار داد ـ توفیق انتشار پاره‌ای از فوائد این کتاب گرامی که ارتباط بیشتری با کتابشناسی و متعلقات آن دارد، نصیب می‌شود.

بدان امید که مجموعه کامل آثار این بزرگ مرد میدان پژوهش و ایمان و عمل منتشر شود.

بر ناظران پژوهشگر به خوبی پیداست که این فوائد، در ردیف کتاب تفصیلی مستقل و نسخه نهائی جای ندارد، بلکه بیشتر می‌توان آن را نوعی یادداشت اولیه دانست که البته حاوی نکات فراوان است. لذا نایکدستی در اجمال و تفصیل توضیحات را نباید اشکالی در آن دانست.

همچنین گریزهای مختلف به نکات پراکنده در حین مباحث دیگر، یکی از ویژگی‌های نگارشی مؤلف بزرگوار در تمام آثار اوست که برای رعایت امانت به همان صورت نقل شده و خوانندگان گرامی به آن متوجه خواهند شد.

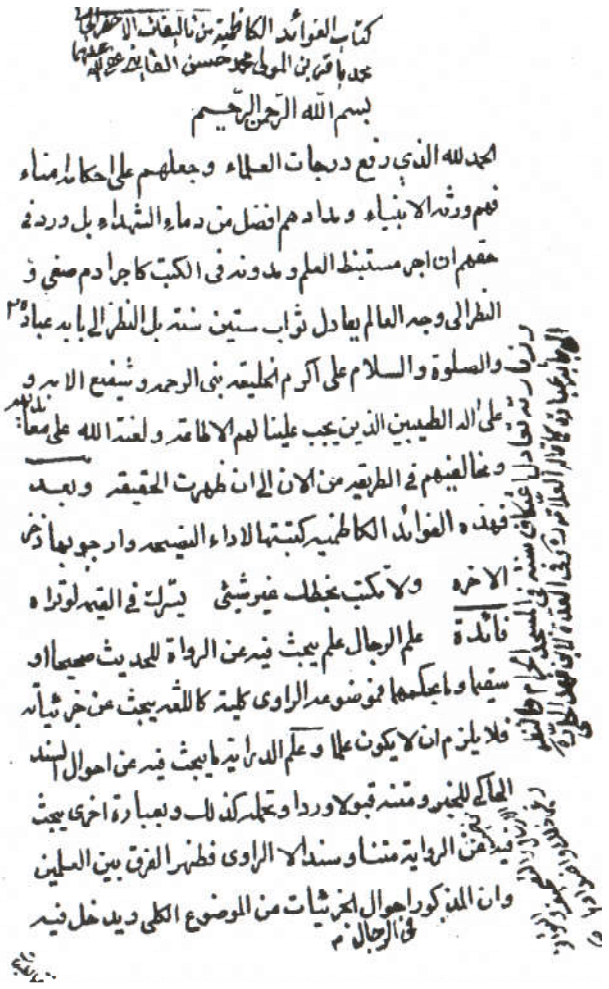

آغاز **الفوائدالکاظمیه** بیرجندی
نسخه شماره ۳۴۱۵ کتابخانه آیت‌الله مرعشی

بعضی از مؤلفان در علم رجال و درایه
(فائده ۱۸، برگ ۳۰ـ۴۱)

فائدة

ممّن صنّف فی الرجال و الدراية فی هذه الاعصار:

۱. السيّد محمدباقر بن محمدنقی ـ بالنون ـ الرشتی الاصفهانی قدس سره. له رسالات يبلغ خمسين رسالة.

۲. و الآقا محمدمهدی ابن الحاج محمدابراهيم الكرباسی صاحب *البشارات* فی الأُصول، علی سبک اشارات والده و ابسط منه، و *المعراج* شرح *منهاج* والده فی الفقه، و له رسالة مبسوطة فی لفظ ثقة، كثير الفوائد.

۳. و المولی محمدتقی الهروی النجفی. له فی الرجال و الدراية *نهاية الآمال*، مدح فيه السيّدكاظم الرشتی و صار سبب وهنه. و *الفوائد الغروية*، ينقل عنها السيّد حسن الصدر الكاظمی فی كتبه الرجالية.

۴. و المولی المقدس الكامل الحاج ملا علی الكنی. له *توضيح المقال* فی الدراية و الرجال. و صنّف فی القضاء و المعاملات و كثير من ابواب الفقه.

۵. و ابو علی الحائری من تلاميذ صاحب *الرياض* و خاله الآقا، له *منتهی المقال*.

۶. و السيّدمحمد ابن السيّدهاشم الهندی النجفی، المتوفی ۲۹ شعبان سنه ۱۳۲۳ له كرامات و كنّا نصلّی معه الجماعة بنجف. له *نظم اللآلی* فی الرجال. و صنّف *شوارع الأعلام* فی شرح *شرايع الإسلام* و *الصراط المستقيم علی النافع* و كتبا جمّا. و هو من تلاميذ الآقا سيدحسين الترک.

۷. و السيّد محمد الرضوی القصير المشهدی. له رحمه الله مصنفّات منها كتاب *الرجال*، و *المصابيح* فی تمام ابواب الفقه، و *اعلام الوری* خرج منه كتاب الطهارة إلی التيمم، و شرح مبسوط علی *اللمعة*. توفیّ سنة ألف و ماتين و خمس و خمسين (۱۲۵۵) ببلدة قم و حمل إلی مشهد الرضا عليه السلام و دفن بين المسجدين مما يلی رأس الإمام عليه السلام.

۸. و الميرزا محمدجواد آقا التبريزی. له *ترتيب خلاصة العلامة* و حمل القسمين قسما واحدا مع العلامة. فرغ منه يوم الاثنين تاسع عشر المحرم من سنة اثنتی عشرة بعد الثلاث مائة و الألف.

و ما أجاد فی إسقاط عذر العلامة فی تصنیفه بأنّه لما کان معرفة الرجال شرط الاجتهاد و الاستنباط صنّف فیهم.

۹. و الفاضل القندهاری المشهدی المولی عبدالله ابن المولی نجم‌الدین، له *تذکرة العلماء* فی الرجال. و صنّف کتبا حسنة، منها: *الفوائد البهیّة فی شرح عقائد البهائیة*، و *کشف الغطاء فی مسئلة البداء*، و رسالة *الهدایة فی تفسیر آیة الولایة*، و کتاب *حلّ العقال فی خلق الأعمال*، و *مصارع الملحدین فی ردّ الصوفیة و المتفلسفین*، و *دلالة السالکین فی قواعد العارفین*، و *ترجمة تفسیر الإمام العسکری*علیه‌السلام، و رسالة *البرهان فی قطع شبه الشیطان*، و کتاب *المقالات*، و *تحریر الأُصول*، و *حواشی شرح الطوالع*، و کتاب الکشکول الموسوم بـ*خوان الأخوان*.

حرص المسلمین من العامة و الخاصة بعد التألیف بینهم علی ان اخرجوا الانکلیسیة عن بلادهم. ففعلوا و اخرجوا عساکرهم و کانوا اربعین فوجا. فلما وقع الصلح بین امرائهم و الانکلیس، شرط علیهم الانکلیس خروج المولی المرقوم من افغانستان. فخرج إلی مشهد الرضاعلیه‌السلام و اشتغل بالترویج والوعظ فی شهر رمضان بمسجد کوهرشاد حتی قضی نحبه رحمة الله علیه و علی جمیع علمائنا خصوصا.

و له ابن یقرء المراثی لقّب باحتشام الواعظین صالح متقی. سلّمه الله تعالی.

۱۰. و الشیخ الاعظم الانصاری کما تقدّم.

۱۱. و العالم الفاضل الآمیرزا ابراهیم الخوئی ابن الحسین بن علی من المعاصرین. له *ملخصّ الرجال*. تلمذّ علی الشیخ الاعظم و قتل نجوی فی وقعة هجوم العدوّ علیهم، فخرج للدفاع و قتل. و له: *شرح نهج البلاغة* و کتاب *اربعین حدیثا* مع الشرح جیّد و اکثره من *کمال الدین*.

۱۲. و السیّد السند العالم الزاهد الحاج سیّد محمدعلی ابن العلامة الفهامة الحاج آمیرزا حسین الشهرستانی الکربلائی من المعاصرین له *شرح الوجیزة البهائیة* مختصر و له رسالات اُخر.

۱۳. و منهم السیّد العالم السیّد محمّدعلی الشاه عبدالعظیمی له *منتخب الرّجال* صغیر کان مجازا من الحاج آمیرزا حسین الطهرانی دفن بجنب العلامة الحلّیرحمه‌الله بجناح ایوان المطلّی بالنّجف و هو اخو زوجة الشیخ باقر القمی السالک الزّاهد.

۱۴. و منهم السیّد العلامة ابو محمّدحسن بن السیّد العلامة السیّد هادی الکاظمی لقّب بالصدر لانّ صدرالدین العاملی الاصفهانی المجیز للشیخ المرتضی و المعلّق علی رجال ابی علی عمّ والده و هم من احفاد بنات الشهید الثانی و هذا السیّد العلامة ابو محمدحسن ابن السیّد الهادی الموسوی الکاظمی سلّمه الله تعالی له تبحّر عظیم فی علوم کثیرة و علی الخصوص فی رجال العامّة و الخاصّة و فنّ الدرایة و هو من شرکائنا فی مجلس درس المرحوم الآمیرزا محمدحسن الشیرازی الذی انحصر ریاسة الامامیة فی عصره رحمه الله علیه.

له کتب کثیرة فی الرجال منها *تکملة أمل الآمل* فی ثلاث مجلّدات و منها کتاب *طبقات الرواة* ذکرنی فی المجلّد الثالث منه بوصف بلیغ حسن و کتب لی اجازة مبسوطة صرّح فیه ببلوغی درجة عالیة من الاجتهاد و اجاز فیه السیّد العالم الکامل المتبحّر صدر الدّین ابن سیدنا و مروّجنا و مجیزنا فی الاجتهاد السیّداسمعیل ابن السیّد صدرالدّین العاملی المتقدّم رحمه الله و الشّیخ محمدباقر بن محمدتقی بن محمدباقر الاصفهانی.

و منها *بغیة الوعاة* فی طبقات مشایخ الاجازات و فیه اجازة للسید العالم المرتضی الهندی الجهانپوری الذی کتب بالتماسه شیخنا الحاج میرزا حسین النّوری کتاب *اللؤلؤ و المرجان*. و منها *مختلف الرّجال*، مقدّمة مبسوطة نافعة فی قواعد الدرایة.

و منها کتاب *الدرر الموسویة فی شرح العقاید الجعفریة* و هی مقدّمة کشف الغطاء. و منها *سبیل الصالحین* فی السلوک و طریق العبودیة.

و منها *احیاء النفوس بآداب ابن طاووس* جمع فیه بیانات السیّد جمال الدین و مواعظه و نصایحه فی جمیع کتبه. و منها *شرح نجاة العباد* مبسوط خرج منه إلی آداب التخلی فی مجلّد ضخم سمّاه *سبیل الرشاد*.

و منها *توضیح مدارک السداد* خرج تمام الطهارة و الصّلوة فی اربع مجلّدات. و منها کتاب *المسائل النّفیسة*. و منها *رسالة الغالیة لأهل الانظار العالیة* فی حرمته حلق اللحیة. و منها رسالته *الدر النظیم فی مسئلة التتمیم* یعنی تتمیم الکر بالماء النّجس.

و منها رسالة *إباحة الصّلوة فی المشکوک* الّتی عنونها سیدنا الاستاد المتقدّم و رجّح الجواز.

و منها رسالة *إبانة الصّدور* فی حال موقوفة ابن اذنیه المأثور فی ارث ذات الولد من الرّباع اثبت فیها کونها روایة صحیحة عن الصادق علیه السلام و قد سبقناه نحن الیه و لله الحمد.

و منها رسالة *صحیح الخبر فی الجمع بین الصلوتین فی الحضر* اخرج فیها ما فی الصحاح الستّ من النصوص النبویة و ذکر اسامی من وافق الامامیة من علماء العامة.

و منها رسالة *تبیین الرشاد فی لبس السواد علی الأئمة الأمجاد* علیهم السلام وله رسالات کثیرة فی مسائل عدیدة.

و منها کتاب *مجالس المؤمنین* فی وفیات المعصومین من النبیّ صلی الله علیه و آله إلی العسکری و فضائلهم و اولادهم. و منها کتاب *الرجعة*. و منها کتاب *النصوص المأثورة علی الحجّة* عجل الله فرجه *من طرق العامه*.

و منها کتاب *القریب من التقریب*. اخرج فیه جمیع من نص ابن حجر علی تشیّعه.

و منها کتاب *عیون الرجال* فی من نصّوا علی ثقته و عدالته و ثبت ذلک بمزکّیین عدلین فی کل طبقة.

و منها *نکت الرجال*. جمع فیه ما کتبه عمّ ابیه السیّد صدر الدین علی هامش رجال ابی علی الحائری. و هی نکات و دقائق جلیله تکشف عن تبحرّه.

و منها کتاب *تأسیس الشیعة الکرام لسائر فنون الاسلام*. رتّبه علی ترتیب تدوین العلوم الاسلامیة. و جعل لکل علم صحائف ثلاث: الصحیفة الأولی فی من أسّسه، الصحیفة الثانیة فی اول من صنّف فیه، الصحیفة الثالثة فی ائمّة ذلک الفنّ.

و منها کتاب *اقرارات الخلیفة الثانی بنصّ النبیّ صلی الله علیه و آله علی إمامة أمیر المومنین*. و فیه فوائد اُخر. و منها *اللوامع الحسنیه* فی اصول الفقه. و منها *حدائق الوصول إلی علم الاُصول*. و منها *اللباب فی شرح رسالة الاستصحاب و تعأرض الاستصحابین*. و منها *رسالة مبسوطة فی التعادل و التراجیح*.

و منها *نزهة أهل الحرمین* فی عمارة حرم أمیر المؤمنین و حرم أبی عبدالله الحسین علیهما السلام. ذکر فیه اول من عمّرهما و کم مرة جدّد تعمیرهما و اول من سکن الحائر و فوائد جمّة. و منها *خلاصة النحو فی علم النحو*. و منها کتاب *طعن علماء الجمهور بعضهم علی بعض*.

الی غیر ذلک مما یبلغ نیّف و مائة. و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء.

اجازنی بجمیع ذلک و بجمیع کتب الاصحاب فی کل فنّ لفظا و کتبا بخطه الشریف أدام الله تأییده.

۱۵. و منهم السیّد الأجلّ صاحب الکرامات السیّد مهدی الحلاوی.

۱۶. و منهم المیرزا محمد الاخباری المعأرض للشیخ الاکبر الشیخ جعفر.

۱۷. و منهم ابو علی الحائری. کتب کتابه *منتهی المقال* بأمر السیّد المحقق السیّد محسن الاعرج الکاظمی جمع فیه فوائد استادیه الآقا باقر و بحر العلوم و المشترکات و اصول الرجال و غیر ذلک.

و لکنّه غلط فی مواضع کثیرة منه کما وجدنا و علّقنا علیه و نبّه علیها صدر الدین المتقدم فی تعالیق الکتاب و صاحب *مختلف الرجال* و قد عرّفته فیه.

و سمعت الشیخ الاستاد صاحب *مستدرک الوسائل* مکرّرا یقول:

> اوصی السیّد محمدباقر الرشتی الرجالی حجة الاسلام ولده السیّد اسدالله بأن لا یکون ذلک الکتاب فی خزانة کتبه. و الانصاف خلافه. و ایّ کتاب یخلو عن ذلک غیر ذلک الکتاب الذی لا ریب فیه؟
>
> فانظر إلی رجال ابن داوود، الذی یقول والد البهائی فی درأیته أنّ اعتماده علیه و إلی خلاصة العلامة و ما یوجد فیهما بالوجدان و شهادة مهرة الفنّ. حتی الجامع الکافی تری فیه مثلا روایة ان یزید (لع) راح إلی المدینة بعد وقعة الطف و وقع عنه بنفسه اباحة المدینة و قتل اهلها، مع أنّ المقطوع من التواریخ و غیرها خلافه.

۱۸. و منهم العالم المتبحرّ الآمیرزا محمدباقر الاصفهانی صاحب *روضات الجنات* فی احوال الاعیان و السادات، جیّد کبیر کثیر النفع، فیه فوائد متفرقة الا أنّ شیخنا النوری مع اخذه منه فی خاتمة *مستدرک الوسائل* کان یخطیه فی مواضع کثیرة منه. و لا یضرّ بتوقیر الکتاب و مصنّفه. کفی بالمرء نبلا ان تعّد معائبه.

۱۹. و من المعاصرین: منهم العالم الکامل المتقی الحاج شیخ عباس القمی ادام الله تسدیده جمع فی العلماء و ذکر اسم الجانی الحقیر فیهم کالسیّد الصدری المتقدّم فی المجلد الثالث من تکملة المتقدّم الیها الاشارة. و ذکرنی فی من صنّف فی الدرایة و الرجال بأحسن ما یقال. فان المؤمن یحسن الظنّ باخیه. اللهم لا تؤاخذنی بما تعلم منی.

۲۰. و منهم الشیخ محمد ابن صاحب المعالم کأبیه و جدّه و ابنه الشیخ علی. وصفه الآقا باقر البهبهانی بأنّه لم یکن مثله احد فی الاطلاع علی احوال الرجال. و هو الذی عبّر عنه فی *منتهی المقال* برمز "م د" و غفل عن ذکره فی اول کتابه کما فی رجال المولی الکنی.

۲۱. و منهم الشیخ عبد اللطیف العاملی تلمیذ البهائی و المجاز عنه. له کتاب فی الرجال.

۲۲. و منهم الشیخ اسماعیل ابن محمدحسین المازندرانی المعروف بخواجوئی المعاصر للآقا هادی ابن محمدصالح المازندرانی. له *الفوائد الشریفة* فی الرجال.

۲۳. و منهم المولی نورالدین بن علی حیدر العاملی. له *نهایة الآمال فی ترتیب خلاصة الأقوال* للعلامة.

۲۴. و منهم السیّد حسین بن الامیر ابراهیم القزوینی المعاصر للتقی المجلسی. له کتاب طریف فی الرجال و شرح علی *الشرایع* بسیط. و لوالده المذکور *تتمیم أمل الآمل* و *شرح زیارة العاشورا*.

۲۵. و منهم الشیخ الکبیر محمدحسن بن صفرعلی المازندرانی. له *نتیجة المقال* **فی الرجال**.

۲۶. و منهم السیّد الجلیل بهاءالدین عبدالحمید النیلی (و النیل کانت قریة علی الفرات). له کتاب *الرجال*. و هو من تلامیذ ابن فهد الحلی و مجاز منه. و رثاه الشیخ علی بن محمد بن طیّ صاحب المسائل المعروفة بـ*مسائل ابن طیّ*.

۲۷. و منهم الحاج محمد بن علی الاردبیلی من تلامیذ المجلسی. لما عزم علی تدوین کتابه *جامع الرواة* کتب البسملة و الخطبة کل کلمة واحد من علماء العصر تیّمنا، فکتب المحقق الخوانساری کلمة و المحقق الشیروانی کلمة و هکذا.

و کتب المجلسی رحمه الله فی اجازته له أنّه قرأ علیه کتب الاخبار. فیالیت بقی الامر علی حاله و لم یصر إلی شرّ الامور مستحدثاتها. و هل ینفع لیت؟

۲۸. و منهم الفاضل الکامل خدای آوردی ابن القاسم من اجلاّء تلامذة المولی عبدالله التستری.

۲۹. و منهم الآمیرزا ابوالمعالی ابن الحاج محمدابراهیم الکرباسی. له کتب کثیرة فی الرجال. منها *رسالة فی لفظ ثقة* مضافا إلی سائر کتبه، و *البشارات* فی اصول الفقه کبیر، و *رسالة فی الشک فی التکلیف و اقسامه* و *شرح زیارة العاشورا*.

منها *رسالة فی محمد بن الحسن* المبدوّ به فی السند، و *رسالة فی مراسیل ابن ابی عمیر*، و *رسالة فی محمد بن سنان*، و *رسالة فی اصحاب الاجماع*، و *رسالة فی تصحیح الغیر*، إلی نیّف و عشرین رسالة فی الرجال.

و اضرّ به الفکر فی آخر عمره لما کان دائم الفکر فی المباحث التی یدرس او یکتب، حتی أنّه کان یکتب فی الحمام. توفّی صبح الاربعاء السابع و العشرین من شهر صفر سنة خمس عشرة و ثلاثمائة بعد الألف.

و لم یرض بطبع کتبه کالسیّد محمد الشهشهانی الاصفهانی. و هو مثله فی الاهتمام بالدرس و التصنیف، حتی أنّه ما حضر تعزیة اخیه للاشتغال بالعلم.

۳۰. و للاوّل (أی: الکرباسی) ابن فاضل صالح یکنی بابی الهدی. له أیضا کتابان فی الرجال. اجازه السیّد حسن الصدر الکاظمی.

۳۱. و ممن کتب فی الدرایة و الرجال شریکه فی الدروس السیّد السند العالم الکامل ابوطالب ابن ابی تراب القاینی. له *الفوائد الغرویة* جزءان، احدهما فی الرجال و الآخر فی الدرایة. و کتبنا شرح الجزئین سابقا و سمّیناه بـ*الفوائد القرویة فی شرح الفوائد الغرویة*.

و لهرحمه‌الله غیرها: *الکواکب السبعة السیارة فی سبع مسائل من عیون الأُصول*، جید. و *اللؤلؤة الغالیة فی اسرار الشهادة*. و *الدرّة* فی التوحید. و *مناسک الحج*. و *رسالة صلوة المسافر*. و *اجوبة المسائل* و غیر ذلک.

انتهت الیه امر السیاسة الشرعیة و القضاء و اجراء الحدود حتی القتل. و کان حاکم القهستان و السیستان المرحوم میر علم خان طاب ثراه مطیعا له. توفّی السیّدرحمه‌الله فی سفر الحج و دفن بالکراچی سنة ۱۲۹۳ق.

۳۲. و منهم الشیخ عبدالحسین الطهرانی المعروف بشیخ العراقین. کان یدرس فی الفقه و الرجال و یحضر مجلسه جمع کثیر و یعتقدون فیه أنّه افقه عصره مع کون کثیرین من اعاظم الفقهاء فی عصره من امثال الشیخ الاعظم الانصاری و صاحب الجواهر و ابناء الشیخ جعفر و الشیخ راضی و الشیخ محسن خنفر و غیرهم. و خرج علیه فی فنّ الرجال و الدرایة شیخنا العلامة النوریرحمه‌الله.

۳۳. و منهم السيّد احمد العطار البغدادى ابن السيّد على. له منظومة فى الرجال. و كان مجتهدا صرفا. له فى الفقه كتاب سمّاه *تحقيق الحق*، مبسوط، اربع مجلّدات منه فى الطهارة. توفى رحمه الله فى ثلاث عشرة و مأتين بعد الألف.

و كان المجتهدون الفقهاء الحائزون له بشرائطه و مقدماته كثيرين فى هذا العصر خصوصا بالنجف الاشرف و الحائر المشرّف. و السبب فيه انهم كانوا أهل قناعة و زهد، مأكولهم خبز الشعير و لحم البعير و الجاموس. و شربهم ماء البئر.

و كان وقف أحد المتموّلين ثيابا لعرس أهل النجف. ثمّ يخلعه و حدث الشيخ محمد حسن الكاظمى من آل ياسين ـ و كان شيخا كبيرا فقيها عظيما من تلاميذ كاشف الغطاء و شيخ الجواهر، كنّا نصلّى معه فى الصحن المقدّس فى اقامتنا ببلدة الكاظمين عليهما السلام ـ أنّ الشيخ محمدحسن البصرى حضر يوما درس كاشف الغطاء و عليه عباء و قباء من غير الصوف. فما اعتنى به كاشف الغطاء و ما اجاب سؤاله. فلما راجعه بعد ذلک، قال له: فعلت امرا حراما و صرت سبب تخريب الدين بهذا اللباس، لأنّ الطلاب إذا رأوا ذلک مالوا إلى امثال ذلک و يسعون له، فيبطل الفقه و يذهب بذهاب طلبته. فأظهر البصرى كتابا من والديه بأنّهما ارسلا هذا اللباس و كتبا أنّه عاق ان لم يلبسه. فقال الشيخ: يجب عليک خلافهما فى ذلک لأنّ حفظ الدين مقدم على رضاهما.

۳۴. و منهم السيّد الفاضل الزاهد السيّد محمدعلى الشاه عبدالعظيمى، المجاور بالغرى من تلاميذ الشيخ محمد حسين الفقيه الكاظمى الغروى شارح الشرايع و المجاز منه رحمه الله.

له *منتخب الرجال* و *غرفة الفضائل*. دفن رحمه الله بجنب العلامة الحلى فى جناح ايوان النجف المطلّى. و كان لى صديقا.

۳۵. و منهم المولى محمدعلى بن محمدرضا الساروى المازندرانى. له *توضيح الاشتباه* فى الرجال.

و غير من ذكرناهم فى هذا المختصر كثيرون. و انّما ذكرنا هذه الجملة تشويقا للطلاب و للحديث "من ورّخ مومنا فكأنّما أحياه". رواه عن النبىّ صلى الله عليه وآله فى *كشف الظنون* و هو للحاج ملا كاتب الچلبى من المتاخرين. و حاله و فوته مذكور فى تاريخ هندوستان.

۳۶. و امّا العلامة الحلى بحر العلوم فهو اكثرهم اهتماما بهذا الفنّ الشريف. فكتب كتابه الكبير فى الرجال، و اسمه *كشف المقال فى معرفة الرجال* على ما ذكره فى ترجمة

محمد بن الحسن بن الولید من *ایضاح الاشتباه*. و لکنّه تلف فیما تلف من کتبه و اسبابه و لم یره احد علی ما ذکره القاضی فی مجالس المؤمنین. ثمّ کتب الخلاصة و صرّح فی اولها بان داعیه علی تصنیفه الاحتیاج فی الاجتهاد إلی معرفة حال الرواة.

و کتب *ایضاح الاشتباه* فی ضبط الاسامی. فلا تقصر ان کنت من أهل الاستنباط و الاجتهاد، و الا فلا تتعرض للکذب الضار بالدین و الازراء بالعلماء الراشدین رحمة الله علیهم اجمعین، و اجتنب سخط مالک یوم الدین و دع هذا الامر الخطیر إلی أهله. وفّقنا الله لمرضاته فی العلم و العمل و جنبنا عن الغرور و الخطل.

و ذکر الشهید الثانی فی رسالة اهداء النصیحة أنّ الاجتهاد من المطالب الدقیقة التی لا ینالها الاّ... ذوحظّ عظیم. و لا یصل الیه الا کل ذکیّ فهیم. نعم. لیس کما توهّمه کثیر من انّ کل مجتهد لابدّ ان یکون کالعلامة الحلی و الشهید و الشیخ علی الکرکی. بل... للاجتهاد مراتب لا یتناهی. و من ذلک تقاعدوا عن تحصیل الحق حتی آل الامر إلی اندراس معالم هذا الشأن و قلّت او عدمت کتب الرجال و الحدیث التی هی اصول الشریعة الغراء و شرط التوصّل إلی تلک المرتبة الزهراء مع الاجماع علی وجوب کتابتها و تصحیحها فأنّ فی الاخبار صحیحا و سقیما و مضطربا إلی غیر ذلک.

فصار هذا سبب خروجهم عن العدالة و عدم جواز الترافع الیهم و الاقتداء بهم و تقلیدهم.

و ما کان هذا دأب السابقین فقد جمع علی بن عبدالله بن الحسین بن بابویه کتابا فی اسماء العلماء الذین تأخّروا عن الشیخ الطوسی إلی زمانه و جمع فیه ما یزید علی خمس مائة فقیه فی أقلّ من عصرین و اکثرهم اصحاب مصنفات عظام علماء اجلاّء اعلام و بعضهم یصرف وقته فی تحصیل دین ارسطو بالاشتغال بالمنطق و الفلسفة و یهمل دین النبیّ و تحصیل العلم الواجب الذی لم یقم بکفایة المحتاجین الیه فی کل صقع آحاد... بذلک و شنّع علی أهل زمانه کثیرا انتهی من مجموع کلامه رحمه الله ملخّصا و رأیت... فی رسالة أجوبة المسائل فی جواب من سأله عن الاقتداء ببعض ائمّة الجماعة فی زمانه رحمه الله باصفهان.

درباره رساله ابن‌عودی و نکات دیگر
(فائده ۲۰/۱، برگ ۴۳ به بعد)

فائدة

من علمائنا الرجاليّين محمد بن على بن الحسن العودى الجزينى تلميذ الشهيد الثانى، تشرّف بخدمته فى عاشر ربيع الأوّل من خمس و ثلاثين و تسعمائة إلى يوم انفصاله عنه بالسفر إلى خراسان فى عاشر ذى القعدة سنة اثنين و ستّين و تسعمائة. و كتب رسالة جيّدة فى أحوال استاده الشهيد، ذكر اكثرها سبط الشهيد فى *الدرّ المنثور*. و ادرج جميع ما فيه السيّد حسن الصدر فى *مختلف الرجال*، و ذكر فيه فى باب المنامات أنّه رأى استاده و أصحابه الذين أخذوا منه فى الجنّة، و أنّه يعنى نفسه دعى إلى الحساب و أُمر به إلى النار. فلمّا مرّ على النبىّ و الأئمّة عليهم السلام، امر النبىّ صلى الله عليه و آله إلى الجنّة و انّ النبىّ نشر صحيفة حسناته و إذا فى الصفحة الثانية من الورقة الأولى سطر واحد مكتوب فيه بخطّ واضح: "الإيمان و حبّ أهل البيت"، و الباقى بياض. و طلب صحيفة السيئات و هى مملوّة من السيئات، فوضعهما تحت ركبتيه. ثمّ قال: اذهبوا به إلى الجنّة. فقالت الملائكة: يا رسول الله قد رأيت صحيفته. فنشرهما النبىّ صلى الله عليه و آله. فاذا صحيفة الحسنات مملوّة من الحسنات و صحيفة السيئات خالية الاّ قليلا. فقال صلى الله عليه و آله: خذ ذات اليمين يطلع لک باب من نور مفتوح لک، و هنا نهر الكوثر اغسل فيه حتى يذهب منک قيحک و دماميلک. ففعل كذلک و رأى الشهيد و اصحابه فى الجنّة فى أنهار و بساتين و معهم محمد الحرّ.

و ذكر من مصنفّات استاده الشهيد حاشية على *قواعد* العلامة، حقّق فيها المهمّ من المباحث، و مشى فيها مشى الحاشية المشهورة النجارية للمولى السعيد الشيخ الشهيد. و غالب المباحث فيها بينه و بينه. برز منها جلد لطيف إلى كتاب التجارة.

اقول: و منه يظهر انّ النجاريه المطبوعة على هامش *القواعد* للشهيد الاول. و كانت نسخة مستقلة موجودة ببلدة الكاظمين عليهما السلام عند بعض أهل العلم. و نجّار ككتّاب و غراب، اصل كل شى ء و ما ينحط من الخشب عند نجره. و نجر هذا الكتاب فلان كثير فى آخر الكتب و المناسبة ظاهرة.

و ذکر لأُستاده الشهیدرحمه‌الله کتبا کثیرة فیها من غیر المشاهیر فی الکتب الرجالیة. و زاد علیها فی مختلف الرجال کثیرا و قال أنّها بخطهرحمه‌الله عندی، و ذکر ان له ستّین تصنیفا.

و هو سلّمه الله تعالی خبیر نقّاد ثقة من احفاد الشهید، یتّصل إلی نور الدین اخی صاحب المدارک و شرح النافع من طرف الأب و إلی الشیخ علی الشهیدی من طرف الامّ.

و حکی عن الشیخ علی أنّه ذکر فی ترجمة جدّه الشیخ حسن أنّه مما تواتر عنه ـ یعنی الشهیدـ إنّه إذا کان غمص القلم فی الدواة یکتب عشرین سطرا او ثلاثین، بل قیل اربعین سطرا. و هذا من جملة التأییدات الالهیة. و لذا جعل ابن العودی فی کتابه شطرا فی کتاباته و محاسن الکرامات له فیها. و قال الشیخ علی أنّه رأی بخطّه الشریف ما یزید علی مائة کتاب.

قال: و ما کان بخطه فی ما تلف و احترق لا یعلم مقداره و الذی احترق بظلم أهل البغی من کتبه مقدار ألف کتاب. و بقی منها فی الجبل و دمشق و غیرهما ما یقرب من ألف کتاب و أکثرها أیضا اخذه الناس او تلف من النقل و الوضع تحت الأرض. و بقی نحو مائة کتاب وصل بعد فحص تام.

اقول: لم یشتهر ابن العودی بین العلماء لما قیل إنّه کان جسورا علی المحقّق الکرکی، کما انّ الحال کذلک فی الشیخ ابراهیم القطیفی مع الکرکی و الشیخ علی الشهیدی بالنسبة إلی المحقّق السبزواری، والله اعلم بحقیقة الحال. و لا شکّ ان الصادر منهم لمصلحة دینیّة. و هم (ره) معذورون عندالله سبحانه إنشاءالله.

و منهم الشیخ الفاضل الصفی الحسن بن العباس البلاغی النجفی من تلامیذ المحقّق الشیروانی. له *تنقیح المقال فی توضیح الرجال*. و قال فیه فی حق استاده المرقوم افضل المتأخّرین و اکمل المتبحّرین، بل آیتالله فی العالمین قدوة المحقّقین و سلطان الحکماء و المتکلّمین إلی قوله: فلعمری انّه وحید عصره و فرید دهره، هیهات أن یاتی الزمان بمثله/ انّ الزمان بمثله لبخیل.

و منهم المرحوم الحاج ملا محمدباقر التستری المدفون بمکّة زمان مجاورته رأیته بنجف و کان حریصا علی جمع الکتب بایِ قیمة کان. و لذا اشتملت خزانة کتبه علی کتب کثیرة جیّدة قلّما یوجد مثلها. فیها ما تشتهی الأنفس و تلذّ الأعین.

و مثله السيّد الأوحد فريد عصره فی الزهد، السيّد محمد من تلاميذ السيّد اسدالله ابن الحاج السيّد محمدباقر الرشتی الاصفهانی، كان قد يأخذ منه الأستاد النوری قدس سره بعض كتب لم يكن عنده بالعاريه. فبيعت كتب الأوّل بتمامها، و كان فيها *تنبيه الاريب* بخطّ و قرطاس جيّد، اشتراه السيّد حسن الصدر بقيمة غالية. و اما انتخاب الجيّد من تنبيهات السيّد هاشم البحرينی فهو للشيخ حسن الدمستانی.

و منهم السيّد هاشم البحرينی الكتكانی التوبلی. له كتاب رجال من رجع إلى الحق و استبصر.

و منهم السيّد المحقّق المدقّق المتبحّر فی علوم جمّة، السيّد علی خان شارح الصحيفة. له *سلافة العصر فی أعيان العصر* من الخاصة و العامة، و رسالة ذكر فيها عن الأمير محمدباقر ابن الداماد أنّه قال كنت فی بعض خلواتی و أورادی مكرّرا "يا غنیّ يا مغنی" فرأيت خلعی عن جسمی و لوازم عالم الغرور و شاهدت نفسی فی عالم رأيت جميع المكوّنات من المؤمن و الكافر و كل نوع منهم متذكرا بذكر "يا غنیّ يا مغنی". ثمّ رأيت نفسی فی هذا العالم عالم الغرور و الزور بعد ما كنت فی عالم النور.

و هو رحمه الله أيضا من مهرة هذه الصناعة. له فيها مقدمة *الرواشح السماوية*، و اصلها شرح علی *الكافی*.

و منهم من المعاصرين السيّد هبةالدين محمدعلی ابن الحسين العابد ابن محسن الصرفی، يتصل نسبته إلى الشاه عبدالعظيم المدفون بالریّ و إلى الامامزاده الحسين ذی الدمعة ابن الولی السعيد زيد الشهيد ابن الإمام السجاد ذی الثفنات سيّد العبّاد علی بن الحسين بن علی بن ابی‌طالب عليهم السلام.

له الهيئة و الاسلام. قال لی بكربلاء شفاها إنّه كتبه علی اقتضاء العصر للردّ علی من خالفنا، و الا فهو غير معتقد بأكثر ما فيه، و عرض علی عبده شبهات و استحسن جواباتی.

و له رسالة فی احوال جدّه ذی الدمعة سمّاها بـ*الشمعة*، جيّد نافع. و من دقايقها انّه رد علی من ذكر وفاته رحمه الله فی مائة و اربع و ثلاثين كتاج الدين ابن زهرة فی غاية الاختصار، و تابعه شيخنا النوری فی *النجم الثاقب* او فی مائة و خمس و ثلاثين كالشيخ ابی النصر البخاری و احمد بن عنبة الداودی فی *العمدة* و مؤلف *بحر الأنساب* و *سراج الدين* و شيخنا النوری قدس سره فی خاتمة *المستدرک*.

قال سلّمه الله تعالی:

و الأدلّة علی فساد تاریخ حدود ۱۳۵ کثیرة:

أحدها: انّ الشیخ ابی النصر البخاری ـ المورّخ وفاة ذی الدمعة بخمس و ثلاثین او الأربعین بعد المائة ـ یعترف و ینصّ بما اجمع علیه المورّخون من انّ ذی الدمعة قتل ابوه و هو صغیر، فربّاه الإمام الصادق علیه السلام.

ثم یقول بعد ذلک ناصّا علی ما ذکره آخرون من انّ ذی الدمعة مات و له ستّة و سبعون سنة. و هذا تناقض لا مناص عنه الاّ بتحریف الناسخین کلمة الثلاثین فی کتابه عن کلمة الثمانین، لانّ زید بن علی رحمه الله قتل فی حدود المائة و العشرین. فإذا کان ذی الدمعة یومئذ صغیرا فی حجر الصادق علیه السلام و قلنا بوفاته فی سنة ۱۳۵ حدود الأربعین و المائة، لم یصح له من العمر الاّ اقلّ من الثلاثین، بخلاف ما لو کان الثلاثین مصحّفا عن الثمانین، صار عمره موافقا للستّة و السبعین. فتدبّر.

الدلیل الثانی: انّ الشیخ البخاری صرّح انّ الحسین ذا الدمعة اضرّ فی آخر عمره، فیشیر إلی أنّه کان من المعمرّین. سیّما و هو القائل کغیره انّه اضرّ فی آخر عمره فزوّج ابنته من المهدی ابن المنصور الدوانیقی. و معلوم انّ المهدی توفّی سنة مائة و سبع و ستّین عن اثنین و أربعین سنة، لأنّه ولد فی سنة ۱۲۷ مائة و سبع و عشرین. فلو صحّ عن البخاری ان ذا الدمعة توفّی سنة ۱۳۵ لزم علی الاقلّ انّه زوج بنته المهدی، و المهدی ابن ثمانی سنین.

اقول: ما یصدر من امثال ذلک للتقیة المبتلی به العلویّون. الا تری إلی ما ذکره الجاحظ فی *البیان و التبیین* أنّه لما بعث عمر بن یوسف یعنی والی الکوفة، من قبل هشام (لع) برأس زید بن علی، و کلّف آل ابی‌طالب ان یبرئوا من زید و یقوم خطبائهم بذلک. فاوّل من قام عبدالله بن الحسن فأوجز فی کلام و جلس. ثمّ قام عبدالله بن معاویة بن جعفر فأطنب فی کلام و کان شاعرا بیّنا و خطیبا لسنا. فانصرف الناس. و قیل لعبدالله بن الحسن فقال: لو شئت ان أقول لقلت و لکن لم یکن مقام سرور. فاعجب الناس ذلک منه.

قال هيبة الدين، ـو قد سألت أنا عنه سلّمه الله إنّ لقب جنابک هيبة الدين او هبة الدين؟ـ فقال إنّه هيبة الدين. فقلت: هبة الدين أحسن و أوجز. و استحسنه الحاضرون، فرجع سلّمه الله تعالى إليه.

الدليل الثالث: أنّ ذاالدمعة كان من الشيوخ و توفّى عن ستّ و سبعين سنة كما صرّح به البخارى نفسه و النسّابة الأطرفى و الشريف الديباجى فى *الفخرى*. فلو كانت وفاته فى مائة و خمس و ثلاثين، لزم أن يكون حاضرا فى حرب أخيه يحيى و يكون شيخا أناف على الستّين حينما أخوه يحيى شابّا قتل فى مائة و خمس و عشرين، و له ثمانية عشر سنة، مع أنّه كان أكبر أولاد زيد بن على.

الدليل الرابع: بناء على ما صحّ حتّى عن البخارى من أنّ ذى الدمعة عمر ستّ و سبعين لو جازت وفاته ۱۳۵ كما اشتهر، لزم أن يكون حاضرا فى حروب أبيه زيد، بل يلزم أن يكون أكبر سنّا من أبيه بأكثر من ثلاثين سنة، لأنّ أباه قتل فى حدود مائة و أحد و عشرين و قد أجمعوا على أنّه كان يوم قتل ابن اثنين و أربعين سنة، لأنّه من مواليد سنة ثمانين من الهجرة.

الدليل الخامس: اتّفق المورّخون حتى الشيخ البخارى أنّ ذاالدمعة حضر حرب محمد و ابراهيم ابنى عبدالله المحض و أنّه اختفى بعد مقتلهما، و هذا ينافى وفاة ذى الدمعة سنة مائة و خمس و ثلاثين أشدّ التنافى؛ لأنّ محمد بن عبدالله الشهير بالنفس الزكية قتل فى رمضان سنة مائة و خمس و أربعين، و قتل بعده أخوه ابراهيم قتيل باخمرا فى ذى الحجّة من تلك الحجّة.

الدليل السادس: انّ الحسين ذاالدمعة اختفى بعد مقتل محمد و ابراهيم مدّة طويلة فى دار الإمام الصادق عليه السلام بالمدينة كما نطقت به الأخبار المتقدّمة و أنّه توارى بعدهما تواترا مديدا حتى كاتبه أخوه. و هذا يناسب أن يكون وفاته بعد الثمانين لا دون الثلاثين.

الدليل السابع: دلالة بعض الأخبار على أنّ أحمد المختفى ابن عيسى مؤتمّ الأشبال ابن زيد الشهيد كانت ولادته فى حياة الحسين ذى الدمعة سنة مائة و سبع و خمسين كما يظهر من مجموع أخبار عيسى بن زيد المنقولة

فی *مقاتل الطالبیین* و فی *عودة الطالب* لما توفّی عیسی بن زید أوصی إلی حاضر بابنیه أحمد و زید و هما طفلان إلی أن قال: فأمر الهادی الخلیفة العباسی باحضارهما، فوضعهما علی فخذیه و بکی ـ الخبر. و تولّی الهادی الخلافة سنة ۱۴۹.

الدلیل الثامن: قد صحّ کما اشتهر أنّ الحسین ذاالدمعة یروی عن الإمام الکاظم موسی بن جعفر علیه السلام. و ولادته علیه السلام نحو مائة و تسع و عشرین. فلو کانت وفاة ذی الدمعة ۱۳۵ لزم أن یکون راویا عنه و هو ابن ستّ سنین.

الدلیل التاسع: سیاتی فی الجهة السادسة روایة کثیرین من أصحاب الإمامین علیّ الرضا و ابنه محمد الجواد علیهما السلام عن الحسین ذی الدمعة. اولئک الرواة المتأخّرة أعصارهم عن طبقة أهل ۱۳۵. کمحمد بن أبی عمیر المتوفّی سنة ماتین و سبعة عشر و أترابها ممّن أدرکوا أواخر عصر الإمام الکاظم علیه السلام المتوفّی سنة ۱۸۳ دون أن یرووا عنه. و هولاء لم یدرکوا عصر الإمام الصادق علیه السلام أبدا، مع أنّه علیه السلام توفّی سنة ۱۴۸. فکیف أدرکوا ذاالدمعة لو کانت وفاته ۱۳۵؟

الدلیل العاشر: لو کانت وفاة ذی الدمعة ۱۳۵ ـ مع أنّهم أجمعوا علی أنّ أباه توفّی عنه و هو صغیر ـ لزم أن یکون عمره نحو عشرین سنة فقط. و ینافی ذلک عادة ما ذکروا له من الأزواج و الأولاد و البنات. و سنذکر أنّ المعقّبین و الدارجین من أولاده ذکورا و أناثا یبلغون سبعا و عشرین ولدا. فالصحیح هو ما حقّقته و لله الحمد انّ وفاته کانت فی مائة و خمس و ثمانین من الهجرة.

و یتّفق علی هذا جمیع الآثار المنقولة عن ذی الدمعة و تواریخه. قال:

> و هذا التصحیف کتصحیف التسعین بالسبعین فی مدّة بقاء الزهراء علیها السلام بعد أبیها، و تصحیف الحدّة ـ بالمهملة ـ بالجدّة ـ بالمعجمة ـ فی المنسوب إلی ابن ادریس فی *میقات البحر*، إلی غیر ذلک من النظائر.

ثم أیّد ذلک بتصریح ابن حجر فی *التقریب* انّ الحسین ذاالدمعة مات و له ثمانون سنة فی حدود التسعین یعنی بعد المائة، و قال:

لقّب بذی الدمعة لکثرة بکائه، فاذا عوتب قال: و هل ترکت النار و السهمان لی مضحکا؟ یرید قتل أبیه و أخیه و حرق جثّة أبیه بعد أن صلبوه بضع سنین.

و إنّما نقلته بطوله لکثرة فوائده:

منها أن یعرف أن لا یجوز للمحدّث النطس أن یغفل من التصحیف و التحریف فی الراوی و المروی. قال زین الدین فی *المصحّف*: و هذا الفنّ الجلیل إنّما ینهض باعبائه الحذّاق من العلماء و یکون فی الراوی کتصحیف مراجم بالراء و الجیم ابوالعوام بمزاحم بالزاء المعجمة و الحاء، و تصحیف حریز بحریر و برید ببزید و نحو ذلک.

و قد صحّف العلماء فی کتب الرجال کثیرا من الأسماء، من أراد الوقوف علیها فلیطالع *الخلاصة* و *إیضاح الإشتباه* فی أسماء الرواة و ینظر ما بینهما من الاختلاف. و قد نبّه الشیخ تقیّ الدین ابن داوود علی کثیر من ذلک و فی المتن کحدیث من صام رمضان و أتبعه ستّا من شوال، صحّفه بعضهم ـ و هو الصولی علی ما نبّه علیه فی *وصول الأخیار* ـ بالشین المعجمة، فذکر شیئا و رواه کذلک.

و فی *وصول الأخیار* ذکر من تحریف المتن حدیث احتجر فی المسجد، أی اتّخذ حجرة من حصیر یصلّی فیها، فصحّفه بعضهم فقال: احتجم. ثمّ ذکر الشهیدرحمه‌الله و قد یکون بالسمع کما صحّف بعضهم عاصم الأحول بواصل الأحدب.

و قد یکون فی المعنی کما فی روایة نحن قوم لنا شرف نحن من عترة (عنزة) صلّی علینا رسول اللهصلی‌الله‌علیه‌وآله. یعنی ما قاله أبوموسی محمد بن المثنّی العنزی فإنّه استخدم و ارم (؟) بالمصرّح به قبیلة بنی عنزة و بالضمیر ما روی انّه صلّی إلی عنزة و هی حربة تنصب بین یدیه فتوهمّ أنّه صلّی إلی قبیلتهم. ثمّ ذکر الشهیدرحمه‌الله أنّه... (؟)

و مثله باب المتّفق و المفترق. قالرحمه‌الله فهذا باب واسع و نوع جلیل کثیر النفع فی باب الروایة و یحتاج إلی فضل تکلّف. وقال فی النوع المؤتلف و المختلف: و معرفته من مهمّات هذا الفنّ حتی أن أشدّ التصحیف ما یقع فی الأسماء لأنّه شیء لا یدخله القیاس و لا قبله شیء یدلّ علیه و لا بعده، بخلاف التصحیف الواقع فی المتن و تمیّز أنّ بالطبقة و مع الإشتباه توقّف الروایة إذا کانا بالتفاوت فی القبول و الردّ.

و منهم الفاضل النحریر المولی محمدجعفر بن محمدطاهر الخراسانی له *إکلیل الرجال* علی *خلاصة* العلامة. و أمّا *کتاب الکبیر* للعلامة فی الرجال، فقال القاضی نورالله فی *مجالس المؤمنین* انّه أتلف مع أشیاء بعد فوت شاه خدابنده و لم یره أحد. أقول: و اسمه کما ذکر فی *إیضاح الإشتباه*: *کشف المقال فی أحوال الرجال*.

(و منهم) الشیخ جواد ابن الشیخ محمد ابن الشیخ شبیب الجزائری الاصل، البغدادی المولد، النجفی المنشا. تلمذ فی الأُصول و غیره علی السیّد عبدالکریم الأعرجی الکاظمی و علی السیّد مهدی النجفی و الشیخ جعفر الشروقی و السیّد محمد سعید. له کتاب *اللؤلؤ المنثور* و دیوان شعر، و کان شاعرا مجیدا.

و منهم العالم الجلیل المجیز للصدوق ابن بابویه و المجاز منه، ابومحمد جعفر بن احمد الرازی المعروف بابن الرزی الایلاقی و نزیل الریّ. و قل من تعرض لذکره الشریف له کما عن الکراجکی نحو مأتین و عشرین کتابا.

منها کتاب *جامع الأحادیث*. و هو سفر جامع لألف حدیث مختصر عن النبیّ صلی الله علیه و آله علی ترتیب حروف الهجاء، ذکر السند فی أوّلها ثمّ ساق الباقی بهذا السند.

و منها *المسلسلات*. و منها *المانعات من دخول الجنة* و رسالة الإمام *و الماموم* الذی یروی عنه زین الدین فی *الروض*.

و منها کتاب *الغایات* یذکر فیه من الأخبار ما اشتملت علی أفضل التفضیل من نحو أفضل الأعمال کذا و أبغضها إلی الله کذا. (و منها) کتاب *العروس* فی خصائص الجمعة، یروی عنه العلامة المجلسی رحمه الله فی *البحار*.

(و منها) کتاب *المنبیء عن زهد النبیّ* صلی الله علیه و آله، یروی عنه ابراهیم بن هاشم و الفقیه الزاهد الشریف الحسن بن حمزة العلوی المرعشی، المتوفّی فی ثلاث مائة و ثمانی و خمسین، و المحدّث الشریف العلوی قاسم بن علی و محمد بن الحسن بن الولید و الصدوق و صاحب بن عبّاد و الصفوانی راوی *الکافی* و محمد بن عبدالله الحمیری و سهل بن احمد الدیباجی عن محمد بن محمد بن اشعث و کلاهما من رواة الجعفریّات، و الشریف الجلیل هارون ابن موسی ابن اسماعیل ابن الإمام جعفر الصادق علیه السلام. کان رحمه الله محدّثا رجالیّا.

و منهم الشیخ المتبحّر محمد بن الحسن الحرّ رحمه الله. له *أمل الآمل* و *خاتمة الوسائل*. توفّی قبل تولّد صاحب الحدائق بثلاث سنین، فإنّ وفاته کما فی *مستدرک الوسائل* و *مطلع الشمس* تاریخ طوس فی ۱۱۰۴ق و تولّد الشیخ یوسف فی ۱۱۰۷ق. و لذا ذکر فی *اللؤلؤة* أنّه یروی عنه بتوسّط الشیخ الأجلّ الفقیه محمود بن عبدالسلام.

و منهم الشيخ الأجلّ ابوغالب الزرارى رحمه الله له رسالة فى حال آل أعين، مذكور كلّها فى *كشكول* الشيخ يوسف البحرينى صاحب *الحدائق الناضرة فى فقه العترة الطاهرة* و *الدرّة النجفيّة* و *سلاسل الحديد* و *اللؤلؤة* فى الإجازات. و فيه كثير من أحوال علمائنا، يروى الشيخ يوسف عن محمود بن عبدالسلام عن الشيخ الحرّ. و رأيت إجازة بعض العلماء لشيخ الحرّ له بخطّ المجيز على ظهر مجلّد الزكاة من *الوسائل*. و وعد المجلسى رحمه الله فى مقدّمة *البحار* أن يذكر الرسالة بكمالها فى إجازات *البحار*، ثمّ غفل عنه، و هى نافعة كثيرة الفوائد.

تصرّف در رجال کشّی و مناقب ابن شهرآشوب
(فائده ۲۴، برگ ۸۳)

فائدة

دخلت اليد فى ما بأيدينا من إختيارات الكشّى للشيخ الطوسى رحمه الله و اختصر ثانيا، لأنّا نرى ابن شهرآشوب و الميرزا محمد فى حاشية *تلخيص الرجال* و غيرهما يروون منه أحاديث و أقوال ليست فى ما بأيدينا اليوم.

و نبّه على مثل ذلک على بن طاووس فى *الطرائف*. و يظهر من *رجال* ابن داوود أيضا.

و هذا كما فعلوا بنسخة *مناقب* ابن شهرآشوب، فإنّ ما بأيدينا هو منتخب *المناقب* كما عبّر به السيّد هاشم التوبلى فى كتبه من *مدينة المعاجز* و غيره. و شهد بعض المتبحّرين بأنّه كبير جدّا وزن كل مجلّد من مجلّداته أرطال كثيرة. و لذا يحكى عنه فى أحوال الغيبة و عن الحجّة المنتظر عجل الله فرجه الشريف، و هذا إلى آخر أحوال العسكرى عليه السلام.

و مثل ذلک كتب كثيرة كـ*مخلاة* الشيخ البهائى و كشكوله و *الفصول المهمّة* لعلى بن محمد المالكى و *جامع الأخبار* لمحمد بن محمد الشعيرى اليمنى و *مكارم الأخلاق* و *تفسير الحسينى*.

فلا تغفل، و لا تخطأ من يروى عنها شيئا لا تراه فيها. و لعلّه كما نقص عنها زيد فيها، كما ظهر و سيظهر فى حال *صحيح* البخارى.

و كلّ ذلک الفساد وقع من اسقاط القرائة و الاكتفاء بالإجازة. و هى أيضا و الحمد لله فى عصرنا فرّ من الميدان. والله المستعان على نوائب الزمان.

درباره کتاب المجموع الرائق
(فائده ۲۵، برگ ۸۵)

فائدة

من *مجموع الرائق من أزهار الحدائق* للسیّد العالم الفاضل المحدّث الکامل. و هو کما وصفه فی *ریاض العلماء*: السیّد هبةالله بن ابی‌محمد الحسن الموسوی.

و قال فی *أمل الآمل*: کان عالما صالحا عابدا له کتاب *الرائق*. انتهی.

و صرّح باسمه فی مواضع وجدته فی نسخة قدیمة. و ذکر فیه جمیع *عقائد* الصدوق و کتاب *جمل العلم و العمل* للمرتضی رحمه‌الله.

و هو کتاب نفیس صغیر الحجم صنّفه بأمر أستاده المفید رحمه‌الله مشتمل علی العقائد و من الطهارة إلی آخر الزکاة و ذکر الحجّ و لم یذکر الخمس و سننقل عنه إن شاء الله تعالی.

و هذا الکتاب أی *المجموع الرائق* صنّفه کما صرّح فی بعض مواضعه فی سنة ثلاث و سبع مائة، فیکون فی اواخر عصر العلامة الحلی. و هو مجلّدان کبیران.

قال فی اوّله بعد الخطبة:

> لمّا نظرت فی بعض الکتب المسندة عن الفضلاء المعظمین و السادة النبلاء المتقدمین و القادة العلماء المصنّفین، آثرت أن أجمع من بعض ما صنّفوه و سبقوا إلی جمعه و الفوه و عرفوا صحته و حقّقوه و سبروا معانیه و دقّقوه و ترووه بعد ذلک و نقلوه.

ثم أفاد رحمه‌الله أنّه یجمع فیه منافع آیات القرآن و ما ورد عنهم علیهم‌السلام من الطبّ و إمامتهم و فضائلهم و تواریخهم و آدابهم و قبورهم و عدد أولادهم و دلائلهم و مقتل الحسین علیه‌السلام و زیاراتهم و ذکر الممالک و المسالک و النوائب و الحکایات و ملائح الأشعار و خواصّ الأحجار و ما ینتفع به من الدعوات لیستغنی حامله عن حمل کتب کثیرة.

و بناه علی اثنی عشر بابا فیظهر من کلامه المذکور أنّ الأحادیث المودعة فی کتب الأصحاب صحیحة ثابتة عندهم و عنده. و لکنّک عرفت مرارا أنّ ذلک لا یغنی عنک شیئا، اللّهم إلاّ ان موافقتک لهم بعد اعمال وسعک یزید اطمیناننا، لا أنّ اجتهادهم رحمهم الله تعالی یکون لک برهانا. و هذا أیضا سمعته من استادنا السیّد السند المتقدّم فی الفائدة السابقة (یعنی المیرزا محمدحسن الشیرازی).

درباره رساله فقه الرضا علیه السلام
(فائده ۳۹، برگ ۱۶۵ـ۱۷۱)

فائدة

قال السیّد محمد ابوالحسن (ابومحمد الحسن ـظ) بن السیّد هادی الکاظمی أیضا فی رسالة وضعها فی حال الکتب المختلف فیه المنسوب إلی مولینا الرضا علیه السلام الموسوم بـ*فقه الرضا* ـو سمّاها بـ*فصل القضاء*ـ ما هذا لفظه:

> فاعلم أنّه الکتاب المعروف عند المتقدّمین بکتاب *التکلیف* لمحمد بن علی الشلمغانی المعروف بابن ابی‌العزاقر، صنّفه أیّام استقامته و کانت الطائفة تعمل به و ترویه عنه. و ممّن رواه عنه و أخذه منه شیخ القمّیّین علی بن موسی بن بابویه. و جعله الأصل لرسالة *الشرایع* التی کتبها لابنه الصدوق رحمه الله. و الصدوق یرویه عن أبیه عنه، و الشیخ المفید یرویه عن الصدوق عن أبیه، و الشیخ الطوسی یرویه عن مشایخه الأربع عن الصدوق عن أبیه عنه.

ثم ذکر من شواهد ذلک ما فیه لفظه ما ینقلونه عن کتاب *التکلیف* للشلمغانی فی باب الشهادة من قبول عدل واحد إذا کان المدّعی ثقة. و من الناقلین الشیخ فی کتاب *الغیبة* و *الفهرست* و العلامة فی *الخلاصة* و ابن إدریس فی *السرائر* و الشهید الثانی و ابن (ابی) جمهور فی *الغوالی* مع روایة أخری عنه یعملون بها لا بهذه. رواهما فی *الغوالی* و غیره عن کتاب *التکلیف* متّصلا بعین عبارة هذا الکتاب بحیث یجزم و یقطع بأنّهما من هذا الکتاب.

و قال سلّمه الله تعالی فی موضع من الرسالة:

> و أمّا ما حکی الشهید الثانی عن المفید من أنّه لیس فیه شیء یخالف سوی هذا الحدیث، فأظنّه نقلا بالمعنی. و أصله ما ذکره العلامة فی *الخلاصة* من أنّ المفید یروی الکتاب الاّ حدیثا واحدا فی کتاب *الشهادة* و الاّ فکیف یخفی علی المفید رحمه الله اشتمالها علی ما لا تقول به الطائفة مثل تحدید الکرّ بالذی ذکره، و جواز الصلوة بجلد المیتة المدبوغ، و التخییر بین مسح الرجل و غسلها، و خروج المعوّذتین من القرآن و نحو ذلک؟
>
> بل المفید أراد انّه لیس فیه الاّ ما هو مرویّ غیر حدیث الشهادة فإنّه موضوع منه و کان شیخ المفید لم یطّلع علی استثناء الحسین بن روح رحمه الله منه موضعین

او ثلاثة مواضع. و انّه (لع) كذب فيها على الأئمّة عليهم السلام و استثناها رواة هذا الكتاب، و الاّ يعملون به لما عن العسكرى عليه السلام فى كتب بنى فضّال و لما كان حجّة مثل سائر الأخبار الصحيحة عندهم جعلة الصدوقان الراويان له حجّة و أفتيا بما فيه من غير ذكر الاسم و كذلک سائر القدماء. و هذا سرّ ما يوجد مأخذا لفتاويهم فيه لا أنّه من الرضا عليه السلام.

و أفاد سلّمه الله تعالى انّ الذى وجد بمكّة و اليمن و كان عليه خطّه الشريف انّما كان خطّه عليه السلام على ظهر الورق الأوّل و هو من *فقه الرضا* عليه السلام ـ إلى قوله عليه السلام: "و منّ عليهم بالثواب". ثمّ سقط منه و الكلام فيه فى التوحيد. و ابتداء ما وجد من الوضوء من كتاب *التكليف* قوله كما فى الكتاب لكنّها الحنفيّة التى قال الله تعالى لنبيّه صلى الله عليه و آله: ﴿اتّبع ملّة ابراهيم﴾. و يدلّ على ذلک ما ذكره السيّد على خان شارح الصحيفة على هامش قوله عليه السلام من النسخة: "و منّ عليهم بالثواب" ما لفظه بخطّ يده ثمّ انخرمت الورقة اليسرى، و لا حول و لا قوّة الاّ بالله. انتهى.

و أوّل سطر فى الصفحة اليسرى فى كتاب *التكليف* لفظه لكنّها الحنفيّة قال الله ـ الخ.

فعلى قول السيّد حسن الصدر، يكون من أوّل الكتاب إلى "لكنّها الحنفيّة" من *فقه الرضا*. و هذا مقدار قليل بقدر سبعة أسطر، و باقى الكتاب كتاب *التكليف* للشلمغانى و *نوادر* على بن عيسى الذى بوّبه داوود بن كورة شيخ الكلينى رحمه الله من باب الاستطاعة.

و أمّا ما وجده السيّد على خان على ظهر الورقة الأولى بخطّ الرضا عليه السلام ما هذا نصّه:

صحّ لأحمد بن جعفر بن محمد بن محمد بن زيد الشهيد ابن على بن الحسين بن على بن ابى‌طالب و لابنه جعفر و أخيه محمد و أحمد و هو الملقّب بالسكّين و البزده ما ورد. و هو ابوجعفر الزيدى نسبا. و صحّ ليحيى بن الحسن الحسينى. و كتبه على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابى‌طالب، ألقيت إليهم فى محرّم لسنة ثلاث و مأتين للهجرة بمدينة مرو. و لله الحمد. انتهى.

و بالجملة فهو ثلاثة كتب كلّها ناقصة أسطره الأولى كانت فى آخر صفحة الأولى من الكتاب للإمام كما وجد على ظهرها، و الباقى كتاب *التكليف* للشلمغانى إلى باب الاستطاعة، و منه إلى آخر الكتاب من *نوادر* احمد بن عيسى. و لذا انّ كتاب الحجّ فى الأوّل على نهج كغير الحجّ و فى الثانى على نهج آخر.

قال السيّد: و أمّا ما فيه مما يدلّ بظاهره على انّه من الإمام عليه السلام فهو نقل الرواية فى كتاب *التكليف* عن الإمام بغير تغيير او جزء الرواية التى قبلها لا كلام مستقلّ.

و ذكر الميرزا عبدالله الافندى قال فى *رياض العلماء* فى الفصل الخامس انّه بعينه رسالة على بن بابويه.

و يدلّ على أنّ اول كتاب *التكليف* سقط منه انّه قال: فقد علمت ما وصفته لک من مسح أسفل انيثيک و نتر إحليلک و لم يتقدّم فى النسخ ما يدلّ على شىء من أحكام الاستبراء أصلا.

أقول: ما ذكره من سقوط شىء من بين "و منّ عليهم بالثواب ـ و لكنّها الحنفيّة" فأمر واضح يلتفت إليه كلّ ناظر، و انّى كنت علمته قبل. و لما اطّلعت على ما حكاه عن السيّد على خان رحمه الله حمدت الله على ذلک. و أمّا الشاهد الأخير، فلى فيه تأمل، لأنّ عبارة الكتاب هكذا: فإن وجدت بلة فى اطراف إحليلک و فى ثوبک بعد نتر إحليلک و بعد وضوئک فقد عملت ما وصفته لک من مسح أسفل انيثيک و نتر إحليلک ثلثا فلا تلتفت إلى شىء منه و لا تنقض وضوئک له و لا تغسل منه ثوبک فإنّ ذلک من الحبائل.

فيمكن أن يكون المراد ما وصفه عليه السلام له أى لأحمد السكيّن الذى كتب الكتاب شفاها قبل ذلک من كيفيّة الاستبراء. بل لعلّه الظاهر من الكلام.

و أمّا ما وجّه به ما يدلّ على أنّه من الإمام عليه السلام فبعيد فى الغاية، بل غير ممكن فى بعض مواضعه، مثل ما فى باب الزكاة من قوله عليه السلام: "و لا يجوز فى الزكاة أن يعطى أقلّ من نصف دينار و انّى أروى عن أبى العالم عليه السلام فى تقديم الزكاة و تأخيرها أربعة أشهر"، و ما فى باب غسل الميّت و دفنه: "قال العالم عليه السلام: و كتب أبى فى وصيّته أن أكفّنه فى ثلاثة أثواب، فقلت لأبى: لم تكتب هذا؟ فقال: إنّى أخاف أن يغلبک الناس يقولون كفّنه بأربعة أثواب او خمسة أثواب ـ إلى قوله ـ و أمرنى أن أجعل ارتفاع قبره أربعة أصابع مفرّجات و قبله غسل على عليه السلام رسول الله و تكفينه"، و ما فى باب الخمس: "و قال جلّ و علا: ﴿و اعلموا أنّ ما غنمتم من شىء فأنّ لله خمسه و للرسول و لذى القربى﴾ فتطوّل علينا بذلک امتنانا منه و رحمة"، و فى باب الأغسال ليلة تسعة عشر من شهر رمضان: "هى التى ضرب فيه جدّنا أمير المومنين عليه السلام" إلى غير ذلک ممّا يقطع منها

انّه ليس هذا الكتاب تأليف الشلمغانى و لا تأليف على بن بابويه و الموافقة فى بعض عبارات للرسالة و لبعض الفتاوى فى كتاب *التكليف*، لا يشهد بأنّه أحدهما بوجه و ثبت بشهادة الثقات عن حسّ نسختان إحديهما بخطّ الكوفى عند آباء السيّد على خان و الثانية النسخة القمّيّة مع شواهد اطمينانيّة.

و لكنّ فى قبالها شواهد ينصرف عنها مثل الرواية عن أبى‌بصير بلفظ "روى أبى‌بصير فى صلاة جعفر" لا انّه منحصر بالجزء الآخر الذى هو *نوادر* احمد بن عيسى كما توهّم إلى غير ذلك ممّا عدّها فى *مستدرک الوسائل* و أجاب عنها بما لا يخلو عن شىء.

نعم. و سبک الكتاب سبک كتب أخبارنا. و بالجملة فالحقّ المحقّق عندى انّه كتاب من أحد العلماء الثقاة كسائر كتبهم. نعم. و هو وجادة يفيد فى مقام التأييد و الترجيح.

درباره صحیفه سجّادیه
(فائده ۴۲، برگ ۱۸۲)

فائدة

قال السمىّ الدامادقدس‌سره فى تعليقه على *الصحيفة السجادية*:

الصحيفة الكريمة السجّادية المسمّاة إنجيل أهل البيت و زبور آل الرسول‌عليهم‌السلام متواترة كما سائر الكتب فى نسبتها إلى مصنّفيها و ذكر الاسناد لبيان طريق حمل الرواية و إجازة تحمّل النقل. و ذلک سنن المشايخ فى الإجازات. فنقول: أسانيد المشيخة رضوان الله عليهم فى روايتهم الصحيفة المكرمة المتواترة و تحملهم لنقلهم مختلفة. و لفظة حدّثنا فى هذا الطريق لعميد الدين و عمود المذهب عميد الروساء من أئمّة علماء الأدب و من أفاخم أصحابنا رضوان الله عليهم.

فهو الذى روى الصحيفة الكريمة عن السيّد الأجلّ بهاءالشرف. و هذه صورة خطّ شيخنا الشهيد لطيفة على نسخته التى عورضت بنسخة ابن السكون، و عليها ـ أى على النسخة التى بخطّ ابن السكون ـ خطّ عميد الدين و الروساءرحمه‌الله قرأها على السيّد الأجلّ النقيب الأوحد العالم جلال الدين عماد الإسلام ابوجعفر القاسم بن الحسن بن محمد بن الحسن بن معيّه أدام الله تعالى علوّه، قرائة صحيحة مهذّبة. و رويتها له عن السيّد بهاءالشرف أبى الحسن

محمد بن الحسن بن أحمد عن رجاله المسمّين فی باطن هـذه الورقـة. و أبحتـه روايتها عنّی حسبما وقفته عليه و حدّدته له. و كتب هبةالله ابـن حامـد بـن أحمد بن أيّوب بن علی بن أيّوب فی شهر ربيع الآخر من سنة ثلاث و سـتّ مائة و الحمد لله ربّ العالمين و صلواته و تسليمه علی رسـوله سـيّدنا محمّـد المصطفی و تسليمه علی آله الغرّ اللهاميم.

إلی هنا حكاية خطّ الشهيد رحمه الله. فأمّا النسخة التی بخطّ علی بن السكون رحمه الله فطريق الإسناد فيها علی هذه الصورة: أخبرنا أبوعلی الحسن بـن محمـد بـن اسماعيل بن اشناس البزّاز قرائة عليه، فأقرّ به، قال: أخبرنا أبوالفـضل محمـد بن عبدالله بن المطلب الشيبانی ـ إلی آخر ما فی الكتاب.

و هناک نسخة أخری طريقها علی هذه الصورة: حدّثنا الشيخ الأجلّ الـسيّد الإمام السعيد ابوعلی الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی إلی ساقة الاسـناد المكتوب فی هذه النسخة علی الهامش.

إنتهی كلام السيّد المحقق قدس سره.

و قال السمیّ المجلسی رحمه الله فی *الفوائد الطريفة فی شرح الصحيفة الشريفة*:

اختلف مشايخنا فی أنّ المتكلّم بقوله حدّثنا، هل هو الـشيخ الفاضـل الـضابط البارع عميد الروساء هبة الله بن حامد أو الشيخ علی بن السكون بعد اتّفاقهم علی أنّ المتكلّم به أحدهما.

ثم قال: يروی عن الشيخ البهائی رحمه الله انّه ابن السكون، و أيّده بما فی *حواشـی* الكفعمی، ثمّ حكی عن والده التقی انّه لا منافاة بينهما و كلاهما يعنی الشيخين الجليلين راويان عن السيّد الأجلّ كما يظهر من الإجازات.

و مثله ذكر السيّد الجزائری فی شرحه الموسوم بـ*نور الأنوار*، قال:

و أمّا المتكلّم بما فی الهامش فالظاهر انّه ابن ادريـس و انّـه يـروی عـن ابـن الشيخ رحمه الله فإنّ اباعلی ابن الشيخ كـان معمّـرا و يمكـن أن يـسمع عنـه ابـن ادريس فی صغره.

أقول: عميد الروساء هبة الله ابن احمد هو شيخ شيوخ علماء الوقت محمد بن جعفر بن نما و السيّد شمس الدين فخّار بن معد الموسـوی، و همـا يرويـان أيـضا الـصحيفة المكرّمة عنه كما يرويانه عن ابن ادريس و السيّدان الجليلان علی بن طاووس و احمـد بن طاووس رحمة الله عليهم عنهما كما فی الإجازات.

و فی شرح شیخ الإسلام بدیع الزمان قهپائی و ترجمة شیخ محمد صالح ابن محمدباقر قزوینی نیز قائل حدّثنا را عمیدالروساء گفته‌اند و او استاد صاحب بن عبّاد است.

و علی بن السکون أیضا جلیل عظیم معاصر له کما عرفت و التقی المجلسی بعد ما روی الصحیفة عن الحجّة المنتظر علیه السلام مناولة فی الرؤیا. قال:

قرأتها علی الشیخ بهاءالدین محمد و کتبت صحیفتی و قابلتها مرارا مع النسخة التی کتبها الشیخ شمس‌الدین محمد صاحب الکرامات جدّ ابی شیخنا البهائی بهاءالدین محمد.

و قال: کتبت تلک الصحیفة من نسخة بخطّ الشهید.

و قال: کتبتها من نسخة بخطّ السدیدی یعنی شیخنا علی بن احمد السدید المعروف بالسدیدی کما عبّر به فی مواضع اُخر.

و قال کتبتها من نسخة بخطّ علی بن السکون و قابلتها مع نسخة التی کانت بخطّ عمید الرؤساء مع النسخة التی بخطّ ابن ادریس و ببرکة مناولة صاحب الزمان صلوات الله علیه انتشرت نسخة الصحیفة فی جمیع بلاد الإسلام لا سیّما اصفهان، فانّه شذّ بیت لا تکون الصحیفة فیه متعدّدة. و هذا الإنتشار صار برهان صحّة الرؤیا و الحمد لله ربّ العالمین علی هذه النعمة الجلیلة.

انتهی کلام التقی المجلسی رحمه الله.

و ذکر فی طیّ کلماته انّ طرق الصحیفة الشریفة علی منشیءها آلاف السلام و التحیّة تبلغ إلی اُلوف اُلوف. و نقل کلّ ذلک ولده العلامة الموفّق السمیّ فی المجلّد الخامس و العشرین من بحاره و هو فی الإجازات، و فیه ما تشتهی الأنفس و تلذّ الأعین.

◆◆◆